

اعمال روز اربعین حسینی



در منابع معتبر شیعی، در مورد روز بیستم صفر به دو اعتبار توجه شده است؛ نخست روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند و دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا(ص) از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را زیارت کند.

در منابع معتبر شیعی، در مورد روز بیستم صفر به دو اعتبار توجه شده است؛ نخست روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند و دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا(ص) از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را زیارت کند.

اعتبار اربعین امام حسین(ع) از قدیم الایام میان شیعیان شناخته شده بوده و هست. شیخ طوسی در کتاب «؛المتهجد» که حاصل گزینش دقیق و انتخاب معقول شیخ از روایات فراوان درباره تقویم مورد نظر شیعه درباره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبادت است، در مورد روز بیستم صفر نوشته است: روز 20 صفر - یعنی اربعین - زمانی است که حرم امام حسین(ع) یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه مراجعت کردند و روزی است که «؛جابر بن عبدالله بن حرام انصاری»، صحابی رسول خدا(ص)، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین(ع) بشتابد و او نخستین کسی است از مردم که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

ورود اهل بیت(ع) به مدینه

سفر طولانی اهل بیت(ع) که از مدینه (در شب 28 رجب سال 60 هجری) آغاز شده بود سرانجام به مدینه ختم شد. اهل بیت امام حسین(ع) که پس از واقعه کربلا به عنوان اسیر به شام اعزام شده بودند، سرانجام به دستور یزید راهی مدینه شدند و در بیستم ماه صفر سال 61 هجری به مدینه بازگشتند.

امام سجاد (ع) قبل از ورود به مدینه «؛بشیر بن جذلم» را که در سرودن شعر توانایی داشت، به شهر فرستاد تا خبر ورود اهل بیت(ع) و شهادت امام حسین(ع) را اعلام کند. بشیر به شهر آمد و این اشعار را در رثای امام حسین (ع) و شهدای کربلا خواند: «؛یا اهل یثرب لا مقام لکم به / قتل الحسین فادمعی مدرار الجسم منه بکربلا مضر / والراس منه علی القنایة یدار»؛ «؛ای اهل مدینه دیگر در مدینه ننماید، حسین را کشتند، جسم عریان او را در کربلا رها کردند و سر او را بالای شهر به شهر گرداندند.» او خبر شهادت امام حسین علیه السلام را اعلام کرد. سپس گفت: هم اکنون علی بن حسین(ع) با عمه «؛shy»ها و خواهرانش، نزدیک شهر رسیده «؛shy»اند و من قاصد او هستم که جای او را به شما نشان دهم.

مردم با گریه و زاری به استقبال اسرا شتافتند. امام سجاد(ع) در بین مردم به سخنرانی پرداخت و خبر شهادت امام حسین(ع) و یارانش و اسارت اهل بیتش را اعلام کرد. آن حضرت، سایر مصائب کربلا همچون بر نوک نیزه کردن سر آن حضرت و شهر به شهر گرداندن اسرا را اعلام نمود.

در بخشی از سخنان امام سجاد (ع) آمده است: کدام دلی است که در این مصیبت نسوزد؟ و کدام چشمی است که نگرید؟ ای مردم می‌دانید که ما را پراکنده ساختند و به اسارت گرفتند و بی‌آنکه جرمی داشته و یا کار ناپسندی انجام داده و یا تغییری در دین اسلام داده باشیم ما را از خانه و کاشانه آواره ساختند. ای مردم کدام قلبی است که از کشتن او شکسته نشود؟ و کدام دلی است که در این مصیبت محزون و غمناک نگردد؟ و کدام چشمی است که به یاد او اشک نریزد؟ و کدام گوشتی است که از این فاجعه که به اسلام وارد ساختند، توان شنیدن آن را داشته باشد؟

هرگز با پیشینیان ما این چنین رفتار نکرده بودند. به خدا چنانچه پیامبر(ص) به جای سفارشی که درباره ما کرده بود، فرمان می‌داد که با ما نبرد کنند، هرگز از این بدتر نمی‌کردند. انا لله و انا الیه راجعون، این مصیبت بزرگ و فاجعه سهمناک که بر ما روی آورد تا چه اندازه دردناک و سوزنده و سخت و تلخ بود. از خدای می‌خواهیم که در برابر این شداید و مصائب اجر و رحمت عطا کند و از دشمنان ما انتقام کشد و داد ما مظلومان را از ستمکاران بازجوید. زیرا که او عزیز و انتقام‌گیرنده است.»

امام سجاد (ع) در مدینه با روشی خاص فعالیت‌های خود را علیه حکومت وقت ادامه داد. ایشان با کناره‌گیری از حرکت‌های تند و مسلحانه موجود، به مبارزه‌ای آرام و اثربخش در قالب زنده نگه داشتن یاد و خاطره قیام عاشورا با گریه و یادآوری مصائب کربلا، تبیین معارف اسلامی در قالب دعا و نیایش، بیان فضایل اهل بیت پیامبر (ص) و تداوم امامت و رهبری شیعیان راستین، دست زد. صحیفه سجادیه و «رساله حقوق» و «رساله زهد» آن حضرت یادگاری از تعالیم تربیتی و اخلاقی او است و روشی دیگر از مبارزه وی با نظام فاسد و مفساد عصر خویش را نشان می‌دهد.

امام زین العابدین (ع) که تا 34 سال پس از واقعه کربلا زنده ماند، همواره تلاش می‌کرد یاد و خاطره شهدای کربلا را زنده نگه دارد. هرگاه آب می‌نوشید به یاد پدر بود بر مصایب امام حسین (ع) گریه می‌کرد و اشک می‌ریخت. در روایتی آن حضرت به عنوان یکی از «بکاؤون» (بسیار گریه کنندگان) ذکر شده است. امام صادق (ع) فرمود: بسیار گریه کنندگان پنج نفرند: آدم (ع)، یعقوب (ع)، یوسف (ع)، حضرت فاطمه (س) و علی بن حسین (ع).

امام سجاد (ع) در هر شرایطی نام و یاد شهدای کربلا به ویژه پدر گرامی شان اباعبدالله الحسین (ع) را زنده نگه می‌داشتند و بر مظلومیت ایشان می‌گریستند؛ هر گاه غذایی برای حضرت می‌آوردند، گریه می‌کرد. یکی از غلامان آن حضرت عرض کرد: آقا می‌ترسم هلاک شوید. حضرت فرمود: من شکوه و غم و اندوه خویش را نزد خدا می‌برم و از خدا می‌دانم چیزی را که شما از جانب او نمی‌دانید. هرگاه کشته شدن فرزندان فاطمه (س) را یاد می‌کنم بی اختیار بغض گلویم را می‌گیرد و اشکم جاری می‌گردد.

ایشان می‌فرمود: یعقوب پیغمبر دوازده پسر داشت، خداوند یکی از پسرانش را از نظر او غایب کرد و از حزن و اندوه دوری آن پسر موی سرش سفید گردید و پشتش خمیده و چشمش از بسیاری گریه نابینا شد، و حال آن که پسرش در دنیا زنده بود، و لکن من به چشم خود پدر و برادرم را با هفده تن از اهل بیتش، کشته و سر بریده دیدم، پس چگونه حزن من به پایان رسد و گریه‌ام کم شود؟

حضرت زینب (س) نیز در مدینه اقداماتی را در تبلیغ اهداف و پیام امام حسین (ع) و زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان کربلا انجام داد که موجب ترس و وحشت حکومت یزید گردید. حضرت زینب (س) پس از ورود به مدینه و استقبال جمع زیادی از گروه‌های عزادار از وی «رساله» به طرف مسجد پیامبر (ص) حرکت کرد و در مقابل درب ورودی روضه نبوی در حالی که دو طرف در مسجد را گرفته بود، خطاب به پیامبر (ص) گفت: «یا جداه ای ناعیه ای لیک أخی الحسین» ای جد بزرگوار، من خبر مرگ برادرم حسین (ع) را برای تو آورده‌ام.

زینب پیوسته گریه می‌کرد و اشک و آهش تمامی نداشت و هر بار که به برادرزاده‌اش علی بن الحسین (ع) می‌نگریست، اندوهش تازه و غمش افزوده می‌شد. سخن زینب (س) گویی آتش قیامی بود که علیه امویان شعله می‌گرفت. ام‌کلثوم نیز هنگام ورود به مدینه اشعاری در رثای امام حسین (ع) سروده است.

حضور حضرت زینب (س) در مدینه موجب شد که فرماندار مدینه؛ «سعید بن عمرو» احساس خطر کند. از این رو نامه‌ای به یزید نوشت و او را از جریان امر و چگونگی خطر دعوت حضرت زینب (س) آگاه نمود. بلافاصله از سوی یزید دستوری صادر بر اخراج آن حضرت از شهر رسید؛ اما حضرت زینب (س) به موضع‌گیری پرداخت و گفت: خدا می‌داند چه بر سر ما آمده است، یزید مردان برگزیده ما را به شهادت رسانید و ما را بر فراز محمل شتران به این سوی و آن سوی کشانید. به خدا قسم ما از این شهر خارج نمی‌شویم هر چند که خون‌هایمان ریخته شود. اما سرانجام با حضور زنان بنی‌هاشم و اصرار آنها حضرت زینب (س) ناچار دومین هجرت خود را آغاز نمود. برخی روایات دلالت بر حضور او در مصر و ادامه زندگی در این شهر تا پایان عمر (سال 62 هـ ق) دارند. برخی روایات نیز مقصد او را شام معین کرده و حتی مرقد آن حضرت را در دمشق، محلی که اینک به این نام مشهور است، می‌دانند.

زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین / رد دو اشتباه در مورد اربعین

مهمترین نکته درباره اربعین، روایت امام عسکری (ع) است. حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده فرموده‌اند: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: 1- خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (17 رکعت نماز واجب + 11 نماز شب + 23 نوافل) 2- زیارت اربعین 3- انگشتی در دست راست 4- وجود آثار سجده بر پیشانی 5- بلند خواندن بسم الله در نماز. این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در منابع دعایی آمده، به اربعین امام حسین (ع) و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است.

در مورد مهمترین وقایع بیستم صفر در منابع معتبر بیشتر به دو رویداد یعنی خروج کاروان اسرا از شام به سمت مدینه و دوم زیارت جابر بن عبدالله انصاری از حرم امام حسین (ع) تأکید شده است و در مورد اینکه در این روز اهل بیت امام حسین (ع)، به کربلا بازگشتند، تردید جدی وجود دارد.

همچنین بر اساس تأکید برخی از محققان، کسی که به همراه جابر در این روز به کربلا آمده، فردی است به نام «عطیه بن سعد

بن جناده عوفی کوفی» که به اشتباه در اذهان، او را غلام جابر عنوان کرده اند؛ در حالیکه او یکی از بزرگترین دانشمندان و مفسران اسلامی و از شاگردان عبدالله بن عباس می‌باشد و تفسیری در پنج مجلد بر قرآن مجید نوشته و از راویان حدیث محسوب می‌شود.

شیعیان بر اساس تأکیدات ائمه معصومین(ع) بر زیارت حرم امام حسین(ع) در روز اربعین، هر ساله در این ایام به سوی کربلا حرکت کرده و حتی پیاده و پای برهنه به زیارت اباعبدالله الحسین(ع) می‌شتابند و در این روز میلیون‌ها شیعه عراقی و غیرعراقی در این روز بر مزار امام حسین(ع) جمع می‌شوند.

از اعمال روز اربعین که در مفاتیح الجنان به طور مفصل بدان اشاره شده است؛ خواندن «زیارت اربعین امام حسین(ع)» و پس از آن خواندن دو رکعت نماز است.